

نماز از دیدگاه امام خمینی(ره) و آیت الله

جوادی آملی



تهیه کننده:

معصومه جعفری طلبه پایه پنجم مدرسه علمیه

الزهرا(س) گرگان



باسمه تعالی

نماز بالاترین ذکر خدا

« شما انقلاب اسلامی کردید که اسلام را ترویج کنید که اسلام و احکام اسلامی را پیاده کنید. در اسلام از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست. نماز پشتوانه ملت است. سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که درگیر آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند همان جا نماز خواند. نگفت ما می‌خواهیم جنگ بکنیم. خیر، برای نماز جنگ کردند. نماز یک کارخانه انسان سازی است. نماز خوب فحشا و منکر را از یک امت بیرون می‌کند. ما با ذکر خدا، با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست.»^۱

نماز محکم کننده رابطه انسان با خدا

« در اخبار اهل بیت عصمت علیهم السلام سفارش بسیاری شده است، درباره حفظ اوقات صلوه و اتیان آنها در اوقات فضیلت، بلکه گاهی می‌شود که تاخیر آنها از اوقات فضیلت بدون عذر موجب تزییع و باعث تهاون (کوتاهی کردن و خوار شمردن) شود

خصوصاً اگر سستی و سهل انگاری انسان ادامه داشته باشد. انسان اگر چیزی در نظرش قیمت نداشته باشد کم از نظرش می‌افتد و آن را فراموش می‌کند. مثلاً اگر کسی به شما وعده دهد که اول ظهر فلان روز، من به شما فلان مبلغ که در نظر شما مهم است می‌دهم دایماً ساعت شماری می‌کنید تا موعد برسد. برای این که حب نفس به آن، و بزرگ شمردن آن، شما را مفتون آن نموده و هرگز در امر آن تهاون و سستی نمی‌کنید.

این نماز های پنجگانه که عمود دین و پایه محکم ایمان است و در اسلام چیزی بعد از ایمان به اهمیت آن نیست، رابطه انسان را با حق تعالی و عوالم غیبیه محکم می‌کند؛ و شجره طیبه توحید را در قلب محکم می‌کند به طوری که با هیچ چیز، از آن زایل نشود و در امتحان بزرگ حق تعالی که در حال ظهور سکرات موت و احوال مطلع و شهود، نمونه غیب حاصل شود از امتحان درست بیرون آید و دینش مستقر باشد و بماند.»^۲

ثمره نماز: «عبادت هرچه مشقت داشته باشد مرغوب است. (افضل الاعمال احمدها) مثلاً در زمستان سرد، شب از خواب ناز گذشتن و به عبادت حق تعالی قیام کردن روح را بر قوای بدن چیره می کند و اراده را قوی می کند و این در اول عمر اگر قدری مشکل و ناگوار باشد کم کم پس از اقدام، زحمت کم می شود و اطاعت بدن از نفس زیاد می شود. چنانچه می بینیم اهل آن بدون تکلف و زحمت قیام می کنند. اینکه بر ما مشکل و شاق است برای آن است که اقدام نمی کنیم. اگر چند مرتبه اقدام کنیم کم کم زحمت مبدل به راحت می شود بلکه اهل آن از آن لذت هم می برند حتی بیشتر از آن التذادی که ما از مشتهیات دنیای می بریم. پس با اقدام، سختی آن برای نفس عادی می شود. این عبادت چندین ثمره دارد. یکی آنکه خود صورت عمل در آن عالم به قدری زیبا و جمیل است که نظیر آن در این عالم نیست و از تصور آن عاجزیم و دیگر آن که نفس، صاحب عزم و اقتدار می شود و دیگر آن که انسان را کم کم مانوس با ذکر و فکر و عبادت می کند و اثرات زیادی دارد که شاید انسان را به حقیقت نزدیک کند و توجه قلبی

به مالک الملوک شود و محبت به جمال محبوب حقیقی پیدا شود و محبت قلب و تعلق آن از دنیا و آخرت کم گردد. شاید اگر جذبۀ ربوبی پیدا شود و حالتی دست بدهد نکته حقیقی عبادت و سر واقعی و تفکر حاصل آید و هر دو عالم از نظر افتد و جلوه دوست، غبار دو بینی را از دل بزدايد و جز خدا کسی نمی داند که با همچو بنده ای خدا چه کرامت کند و چنانچه در ریاضت شرعی و عبادات و مناسک و ترک مشتهیات عزم قوت گیرد و انسان صاحب عزم و اراده شود، در معاصی طبیعت غلبه کند و عزم و اراده انسان کامل شود. ۳»

«**اقامه نماز غیر از خواندن آن است:** خواندن

نماز و تداوم بر آن عملی است واجب و در قرآن کریم از اوصاف مؤمنان شمرده شده است: (والَّذین هم علی صلواتهم یحافظون) مومنون ۹، اما مهمتر از آن، اقامه و برپاداشتن نماز است که از اوصاف تقوا پیشگان به شمار آمده و آن برپا داشتن حقیقت نماز است. برپا شدن حقیقت و روح نماز به این است که گذشته از تلفظ اذکار قرائت و هیئتهای ظاهری آن و قطع نظر از تصویر مفاهیم اذکار آن در ذهن، پیام

اصلی آن این است که از وجود لفظی و ذهنی بیرون آید و به وجود عینی برسد و در محدوده روح نمازگزار متمثل گردد و سپس با سنت و سیرت مستمر او در جامعه جلوه کند و با تبلیغ و تعلیم و تزکیه نفوس مستعد دیگران، آنها نیز به عنوان روح متمثل نماز پرورش یابند، تا حقیقت چیزی که در قرآن مجید، به عنوان ناهی از فحشا و منکرو به عنوان علاج و شفای درد هَلوع و جَزوع و مَنوع بودن انسان در متن جامعه بشری متمثل گردد. بنابراین انسان قائم و بپا خواسته به نماز، کسی است که همه عوامل سقوط را در عقیده و اخلاق و عمل از حریم وجود خویش دور می سازد. ۴

فهرست منابع

۱- صحیفه امام روح الله، جلد ۱۲، صفحه ۳۹۲

۲- شرح چهل حدیث، تهران موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۱ چاپ ۲۶ پاییز ۸۱ صفحه ۴۹۵

۳- شرح چهل حدیث، ص ۱۲۶

۴- آیت الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، جلد ۲، صفحه ۱۶۷